

همراه با دانشنامه آثار فقهی شیعه

الدر المنضود^۱

○ خلیل گریوانی

کتاب «الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الايقاعات و العقود» دوره مختصر و جامع فقهی با محوریت صیغه های نیات و عقود و ایقاعات، نوشته ابن طی فقعانی است.

نویسنده: ابوالقاسم علی بن علی بن جمال الدین محمد بن طی عاملی فقعانی^۲، مشهور به «ابن طی» و «ابوالقاسم بن طی» است.

عنوان «ابن طی»، بیشتر در باره ایشان به کار می رود، گاهی نیز منظور «محمد بن علی بن محمد طی» - به اعتقاد برخی - جد مؤلف است.^۳

۱. ابن طی فقعانی، زین الدین علی بن علی بن محمد بن طی، الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الايقاعات و العقود، معروف به صیغ العقود و الايقاعات، تحقیق و تصحیح محمد برکت، مکتبه مدرسه امام العصر (عج) العلمیه، ۱۴۱۸ هـ. ق، تعداد صفحات ۳۴۸، چاپ اول، قم-ایران.

۲. فقعانی منسوب به «فقیه» روستایی بر ساحل صور در جبل عامل است.

۳. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۸؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۳۵۵.

ابن طی، از فقهای برجسته و بزرگ جبل عامل در قرن نهم^۴ و صاحب نظر در ادبیات و شعر بوده است.^۵ صاحب ریاض العلماء می نویسد: «بعضی از فواید و مسائلی که از ایشان نقل شده، نشان از فضل و برجستگی وی در علم فقه دارد».^۶ یاد کرد علامه مجلسی از ایشان با عنوان «علامه»^۷ نیز، نشانگر مرتبه والای علمی این فقیه است.

او از محضر اساتیدی چون ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ هـ. ق) و حسن بن احمد بن یوسف عشره کسروانی، معروف به «ابن العشره» (م ۸۶۲ هـ. ق) بهره علمی برد.^۸ برخی، علامه حلّی (م ۷۲۶ هـ. ق) را نیز در زمره اساتید این فقیه برشمرده اند^۹ که به نظر می رسد درست نباشد؛ زیرا علاوه بر مستند نبودن آن، با توجه به تاریخ وفات آن دو، امکان بهره گیری «ابن طی» از محضر علامه حلّی بسیار بعید است. براساس اجازه شمس الدین محمد بن مؤذن جزینی به عبدالعالی میسی^{۱۰}، ابن طی، مصنفات علامه را با سه واسطه نقل می کند؛^{۱۱} در حالی که اگر

۴. تکملة امل الأمل، ص ۳۰۸. صاحب تکمله می گوید: عجیب است که شیخ حر- صاحب امل الأمل- نام وی را در قسم دوم از کتابش آورده است؛ در حالی که او از اجلای فقهای بلاد شیخ؛ یعنی جبل عامل است. توضیح اینکه کتاب امل الأمل در دو بخش تنظیم یافته است، بخش اول آن به شرح حال علمای جبل عامل و بخش دوم، شرح حال علمای سایر بلاد است.

۵. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۵۸.

۶. همان، ص ۱۵۹.

۷. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۶۹.

۸. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۱۵۸.

۹. ر. ک: تراجم الرجال، ج ۱، ص ۳۷۴.

۱۰. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۶.

۱۱. این سه واسطه عبارت اند از: شمس الدین محمد بن عبداللّه عریضی؛ حسن بن نجم الدین و عمید الدین.

محضر علامه را درك کرده بود، باید بدون واسطه نقل می کرد.

قراین و شواهد گویای این است که وی حتی شهید اول (م ۷۸۶ هـ. ق) را که از شاگردان علامه بوده، درك نکرده است، چه رسد به خود علامه.^{۱۲} وی از بسیاری از عالمان عصر خود، از جمله شمس الدین محمد بن محمد بن عبداللّه عریضی^{۱۳} و جعفر بن حسام عینائی عاملی (زنده ۸۲۰ هـ. ق) روایت کرده است.^{۱۴} از عبارت کتاب «مسائل ابن طی» بر می آید که جعفر بن حسام، استاد مؤلف نیز بوده است.^{۱۵} همچنین بنا بر نقل علامه مجلسی، وی از راویان صحیفه سجادیه است.^{۱۶}

از دست پروردگان فقهی وی می توان از فرزندش محمد - که کتاب «النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر» را نزد او قرائت کرده^{۱۷} - و نیز شیخ شمس الدین محمد بن داوود مؤذن جزینی، عموزاده شهید اول^{۱۸} نام برد.^{۱۹} همچنین شهید ثانی، مصنفات شهید اول را با واسطه وی و شیخ شمس الدین نقل کرده است.^{۲۰}

۱۲ از جمله این که وی با سه واسطه شمس الدین محمد بن عبداللّه عریضی؛ زین الدین جعفر بن حسام عاملی عینائی و حسن بن ایوب نجم الدین از شهید اول نقل روایت می کند: (ر. ک: تکملة امل الأمل، ص ۳۱۰).

۱۳. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۸۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۴۵.
۱۴. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۵۸ و ج ۲، ص ۶۰؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۸۳.
۱۵. مسائل ابن طی، ص ۱۳۸: «لو كان الامام فاسقاً لایجب علیه نهی من صلی وراءه، کذا سمعته من ابن الحسام و عمّن نقل عن ابن سلمان ایضاً».
۱۶. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۱۴.
۱۷. موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۱۵۹.
۱۸. ر. ک: رسائل شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۱۱۶؛ امل الأمل، ج ۱، ص ۱۷۹.
۱۹. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۸۴.
۲۰. رسائل شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۱۱۶.

در منابع رجالی، به محل زندگی مؤلف و حوزه‌ای که در آن تحصیل می‌کرده، اشاره نشده است؛ اما با توجه به اساتید^{۲۱} وی، به نظر می‌رسد او بیشتر عمر خود را در حوزه حله سپری کرده باشد. او سرانجام پس از عمری تلاش و مجاهدت در هفتم جمادی الاولی سال ۸۵۵ هـ. ق، زندگی را بدرود گفت.^{۲۲}

سال تولد او معلوم نیست، ولی صاحب ریحانة الادب، وفات او را بین سال‌های ۸۵۰-۸۵۵ و ۸۸۰-۸۸۵ هـ. ق، مردد دانسته است.^{۲۳} لیکن برخی از اطراف این تردید به طور قطع منتفی است، مانند سال ۸۵۰ هـ. ق؛ زیرا بنا بر ثبت خود مؤلف،^{۲۴} زمان اتمام کتاب، سال ۸۵۴ هـ. ق، بوده است. سال‌های ۸۸۰ و ۸۸۵ نیز بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا یکی از نسخه‌های خطی کتاب که قدیمی‌ترین نسخه نیز است و در سال ۸۶۲ نوشته شده، توأم با تأییدی از فرزند مؤلف است^{۲۵} که به طور طبیعی، اگر مؤلف زنده بود، معمولاً به تأیید خودش می‌رسید نه فرزندش.

کتاب: محور اصلی این نوشتار، تبیین ابعاد مختلف مهم‌ترین اثر فقهی ابن طی فقعانی و مباحث مربوط به آن و شناساندن آن به مخاطبان است که ضمن آن به مباحثی چون انگیزه تألیف این کتاب، تألیفات دیگر مؤلف، پیشینه تألیف در موضوع کتاب؛ همچنین نحوه سازماندهی موضوعات فقهی در این کتاب، رویکرد فقهی مؤلف، مکتب فقهی وی و میزان تأثیرپذیری او از مکاتب فقهی پیشین و نیز تأثیرگذاری اش نسبت به آیندگان، اشاره خواهد شد.

۲۱. چنان که گفته شد، معروف‌ترین استاد وی، ابن فهد حلی است که از برجستگان حوزه حله در آن عصر بوده است

۲۲. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۵۹.

۲۳. ریحانة الادب، ج ۸، ص ۸۵.

۲۴. الدر المنضود، ص ۳۳۶.

۲۵. همان، ص ۲.

نام، زمان و انگیزه تألیف کتاب

نام کامل کتاب مطابق آنچه مؤلف در مقدمه خود بر کتاب ذکر کرده است، «الدر المنضود في معرفة صیغ النیات و الإیقاعات والعقود» به معنای «گوهرهای جمع آوری شده در شناخت صیغه های نیات، عقود و ایقاعات» است؛ لیکن در کتب تراجم و دیگر منابعی که از آن یاد کرده اند، هیچ اثری از این نام مشاهده نمی شود، بلکه از آن با نام های دیگری مانند «رسالة في العقود والایقاعات»^{۲۶} و «صیغ العقود والایقاعات»^{۲۷} یاد کرده اند. توجه به تصریح مؤلف به نام کتاب، بعید است نام دیگری را ذکر کنند.

تاریخ آغاز تألیف آن مشخص نیست، اما تاریخ پایان آن مطابق آنچه مؤلف در پایان کتاب تصریح کرده محرم سال ۸۵۴ هـ. ق است^{۲۸} و با توجه به تاریخ وفات ایشان که جمادی الاولی سال ۸۵۵ هـ. ق است، حدود هفده ماه قبل از وفات، از نوشتن آن فراغت یافته است.

مؤلف نسبت به انگیزه خود در نوشتن این کتاب می نویسد:

از آنجا که عقل و شرع دلالت بر شرافت علوم شرعی بر سایر علوم دارد و تحصیل مقاصد و حقایق آن علوم، متوقف بر قصد و نیت است و از سویی، کسی که عمل کردن به اشاره او لازم و اطاعتش بر من واجب است، به من اشاره کرد که در علم شریعت، رساله ای در احکام نیات و صیغه های آن و صیغه های عقود و ایقاعات بنویسم، تصمیم گرفتم این درخواست او را اجابت کرده و این رساله را بنویسم.^{۲۹}

۲۶. معجم المؤلفین، عمر کحاله، ج ۷، ص ۱۵۶.

۲۷. الدرر المعه، ج ۱۵، ص ۱۱۰.

۲۸. الدر المنضود، ص ۳۳۶.

۲۹. همان، ص ۲.

از این عبارات استفاده می‌شود که مؤلف، کتاب را به درخواست شخص صاحب نفوذی که نزد وی محترم بوده نوشته است؛ گرچه نه خود مؤلف و نه فرزندش در تعلیقات بر کتاب، به مشخصات درخواست کننده اشاره‌ای نکرده‌اند.

سایر تألیفات

از مؤلف، علاوه بر کتاب مذکور، آثار علمی دیگری نیز بر جای مانده که از آن جمله: «المسائل الفقهیه»^{۳۰} معروف به «مسائل ابن طی» و حاشیه بر القواعد و الفوائد شهید اول^{۳۱}. علاوه بر این خود مؤلف در الدر المنضود، از کتاب فقهی دیگر خود به نام «إعلام الوارد» نام می‌برد^{۳۲}، ولی از این اثر هیچ سخنی در تراجم به میان نیامده است. از چهار اثر یاد شده برای مؤلف، کتاب الدر المنضود آخرین اثر علمی او و منعکس کننده آخرین آرای فقهی اوست؛ زیرا کتاب «المسائل الفقهیه»، بنا به گفته صاحب الذریعه، در سال ۸۲۴ هـ. ق^{۳۳} و حاشیه بر قواعد شهید اول در سال ۸۳۵ هـ. ق نوشته شده است^{۳۴} و کتاب «إعلام الوارد» که جزو کتب مفقوده ایشان به شمار می‌رود، به دلیل ذکر نام آن در این کتاب، قطعاً قبل از تألیف این کتاب تدوین یافته است.

پیشینه نگارش در موضوع

گرچه اصل لزوم نیت در عبادات و صیغه در عقود و ایقاعات، فی الجمله مورد پذیرش فقها است، اما نسبت به حقیقت نیت و کیفیت آن، همچنین صیغه‌های

۳۰. الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۳۱. همان، ج ۶، ص ۱۷۴.

۳۲. الدر المنضود، ص ۲۲.

۳۳. الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۳۴. همان، ج ۶، ص ۱۷۴.

عقود و ایقاعات، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و شاید به همین سبب برخی فقیهان که به کیفیتی خاص در نیت عبادات و الفاظی ویژه در صیغ عقود و ایقاعات قائل بوده‌اند، دست به قلم برده و در این زمینه کتاب‌های مستقلی نوشته‌اند. در حالی که برخی فقیهان - خصوصاً در قرن هشتم و نهم - با جدیت تمام به بیان کیفیت نیت در عبادات مختلف پرداخته و کتاب‌های مختلفی - که اشاره خواهد شد - در این زمینه نوشته‌اند، فقیهی چون صاحب مدارک در قرن یازدهم - بحث نیت را چنان آسان می‌گیرد که گویی مباحث گذشتگان را در این باره، بی معنا و زائد می‌داند. او می‌گوید:

در نیت، تنها تصور منوی با کم‌ترین توجهی کافی است و هیچ عاقلی از این

مقدار توجه خالی نیست.^{۳۵}

به هر روی، آثار فقهی مستقلی به منظور آشنایی بیشتر و بهتر با چگونگی نیت و قصد در عبادات و الفاظ و صیغه‌های عقود و ایقاعات در معاملات نوشته شده است. البته سابقه نگارش کتاب و رساله در موضوع نیت در عبادات و کیفیت آن در مقایسه با صیغ عقود و ایقاعات بیشتر است. در کتب تراجم، در موضوع نیت، از چند کتاب فقهی شیعی یاد شده است. از قدیمی‌ترین آنها می‌توان به کتاب «النیات»، تألیف محمد بن هبة‌الله بن جعفر وراق طرابلسی^{۳۶}؛ «النیات»، تألیف غازی بن احمد بن ابی منصور سامانی - که هر دو از شاگردان شیخ طوسی هستند -^{۳۷} و نیز «النیات فی جمیع العبادات»، نوشته قطب‌الدین راوندی^{۳۸} (م ۵۷۳) از

۳۵. مدارک الاحکام، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳۶. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۳۳۳.

۳۷. جامع الرواة، ج ۱، ص ۶۵۷.

۳۸. فهرست منتجب‌الدین، ص ۶۸؛ فقه القرآن، قطب‌الدین راوندی، ج ۱، ص ۱۸۶. این کتاب در اختیار شهید اول بوده و در مواردی در غایة المراد، (ج ۱، ص ۳۷) از آن نقل قول کرده است.

پیروان مکتب فقهی شیخ طوسی، اشاره کرد. بعد از سه کتاب یادشده در تاریخ فقه شیعه، می توان از رساله «النیات»، نوشته معین الدین سالم بن بدران مازنی مصری (م ۶۲۹) و «کتاب النیة»، نوشته علی بن ابراهیم بن زهره (م ۷۴۹) نام برد.^{۴۰} اوج تلاش در این موضوع را می توان در بین شاگردان علامه حلّی، خصوصاً فخر المحققین (م ۷۷۱) با نگارش الرسالة الفخریة فی معرفة النیة^{۴۱} و شهید اول (م ۷۸۶) در کتاب القواعد و الفوائد^{۴۲} مشاهده کرد. بعد از رساله فخریه، کتاب هایی با محوریت موضوع نیت نوشته شد که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. اللّمة الجلیّة فی معرفة النیة، نوشته ابن فهد حلّی (م ۸۴۱).^{۴۳}

۲. محاسن الکلمات فی معرفة النیات، نوشته حسین بن مفلح بن حسن صیمری (م ۹۳۳).^{۴۴}

۳. نیات الحج و العمرة، نوشته شهید ثانی (م ۹۶۶).^{۴۵}

اما در میان مؤلفان اهل سنت، ظاهراً پیشینه تألیف در موضوع نیت، قدمت

۳۹. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۸۲.

۴۰. همان، ج ۸، ص ۱۵۷؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۲۰۲. شهید اول از این کتاب یاد کرده و آن را ستوده و آن را گواه بر فضل صاحبش دانسته است.

۴۱. فخر المحققین این کتاب را برای شیخ فخر الدین، حیدر بن سعید شرف الدین، علی بن محمد بن ابراهیم بیهقی نوشته است و ظاهراً به همین دلیل نام کتاب را «رساله فخریه» نهاده اند؛ زیرا نام ایشان شیخ فخر الدین بوده است، نه به خاطر نام مؤلف که فخر المحققین است. فخر المحققین در این کتاب به مباحث فقهی نیت پرداخته و فقط ابواب عبادات را مطرح کرده است.

۴۲. شهید در این کتاب، ضمن ۳۱ فائده مفصل، به بحث نیت پرداخته و ابعاد مختلف آن را حتی در غیر عبادات بررسی کرده است (ر. ک: القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۷۴-۱۲۳).

۴۳. الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۵۱.

۴۴. همان، ج ۲۰، ص ۱۲۷.

۴۵. کشف الحجب، ص ۲۹۰.

بیشتری داشته و به اوایل قرن دوم باز می‌گردد. حسن بصری (م ۱۱۰) ۴۶ کتابی با عنوان «کتاب الاخلاص و النية»، در این زمینه نگاشته است. بعد از او، در تراجم از کتابی با همان عنوان، نوشته ابن ابی دنیا (م ۲۸۱) ۴۷ و کتابی با عنوان «النية» نوشته زبیر بن احمد، فقیه شافعی مذهب (م ۳۱۷) ۴۸ و کتاب «النية»، نوشته ابوالحسن علی بن محمد بن احمد (م ۳۳۸) ۴۹، یاد شده است. البته، احتمال می‌رود برخی از این تألیفات فقهی نبوده، بلکه اخلاقی باشند. در قرون متأخر، جز یک مورد با عنوان «المدخل الی تنمية الاعمال بتحسين النيات»، نوشته ابن الحاج الفاسی المصری، عالم مالکی مذهب (م ۷۳۷) ۵۰، کتاب یا رساله‌ای دیگر در این موضوع در کتب تراجم برای علمای اهل سنت ثبت نشده است.

اما در زمینه صیغ عقود و ایقاعات، تألیفی در کتب تراجم برای علمای عامه ذکر نشده و در بین مؤلفین شیعه نیز جز یک مورد از سید مرتضی که در خصوص صیغه نکاح با عنوان «مسئلة في صیغة النکاح» ۵۱ نگارش یافته، مورد دیگری ثبت نشده است و ظاهراً در این موضوع، اولین نگارش، «الدر المنضود» بوده است. تراجم در این دوره (قرن نهم)، از دو کتاب در این زمینه یاد کرده‌اند: یکی همین کتاب و دیگری، کتاب «جواهر الکلمات في صیغ العقود و الايقاعات»، نوشته مفلح بن حسن صیمری (م ۸۸۰) که با توجه به سخن صاحب الذریعه ۵۲ که تاریخ پایان آن را سال ۸۷۰ هـ. ق دانسته، باید کتاب الدر المنضود را در این زمینه، اولین

۴۶. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۳۸۷.

۴۷. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۳۴۵؛ فهرست ابن ندیم، ص ۲۳۶.

۴۸. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۹۸.

۴۹. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۷۹؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۳۰۴.

۵۰. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۶۴۳.

۵۱. الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۸۸.

۵۲. همان، ج ۳، ص ۳۳۵.

کتاب به شمار آورد؛ زیرا زمان پایان نگارش آن، سال ۸۵۴ هـ. ق بوده است. بعد از دو کتاب یادشده در قرون بعدی، کتاب های متعددی در زمینه صیغ عقود نگارش یافته که از آن جمله است:

۱. الايقاظات في العقود و الايقاعات، نوشته شیخ حسین بن مفلح صیمری (م ۹۳۳) ۵۳.

۲. النبذة العقودية في صیغ النكاحية، اثر مفلح بن حسن صیمری. ۵۴

۳. صیغ العقود و الايقاعات، از محقق کرکی ۵۵ (م ۹۴۰).

۴. رسالة في صیغ العقود و الايقاعات، نوشته شهید ثانی ۵۶ (م ۹۶۶).

از آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که کتاب «الدر المنضود»، اولین کتابی است که به صورت جامع به دو بحث مهم نیات و صیغ عقود و ایقاعات پرداخته و تقریباً تمامی ابواب فقه؛ اعم از عبادات، معاملات و احکام را مورد بحث قرار داده است و ظاهراً بعد از آن، جز یک مورد که توسط سید حسین مجتهد کرکی - حسین بن حسن حسینی (م ۱۰۰۱) - با عنوان «رسالة النيات و صیغ العقود و الايقاعات» ۵۷ نگارش یافته، کسی از این شیوه استقبال نکرده است، بلکه آیندگان بیشتر در زمینه موضوع صیغ عقود و ایقاعات رساله یا کتاب نگاشته اند.

سازماندهی مطالب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
علی رغم رواج تقسیم بندی های فقهی در عصر مؤلف و حتی قبل از آن، از قبیل تقسیم مجموعه ابواب فقهی به دو بخش کلی عبادات و معاملات و تقسیم بخش

۵۳. همان، ج ۲، ص ۵۰۸.

۵۴. مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۱۶۴.

۵۵. الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۱۰.

۵۶. همان.

۵۷. مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۲۱۰.

معاملات به دو قسم عقود و احکام^{۵۸} و یا تقسیم تکالیف شرعی به عبادات و محرمات و احکام^{۵۹}، یا مانند صاحب شرایع^{۶۰} که مباحث فقهی را به چهار قسم عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم کرده، یا مثل شهید اول^{۶۱} که در تقسیمی شبیه تقسیم صاحب شرایع، مباحث فقهی را به چهار قطب عبادات، عقود، ایقاعات و سیاسات تقسیم کرده است. مؤلف کتاب درالمنضود، بدون توجه به این تقسیم بندی ها، مباحث کتاب را تنها براساس روش متداول اولیه (تقسیم موضوعی مسایل و احکام و قراردادان هریک از موضوعات کلی فقهی، تحت یک عنوان به نام «باب» یا «کتاب» از کتاب طهارت آغاز و احکام هریک از موضوعات کلی را تحت عنوان یک کتاب مطرح کرده است. چنان که خواهیم گفت او گاه عناوینی را که طبق تقسیم صاحب شرایع، جزو احکام به شمار آمده، در لابه لای عقود، و گاه عناوینی را که طبق تقسیم شرایع، جزو ایقاعات به شمار آمده، در لابه لای عقود مطرح کرده است.

عناوین ابواب فقهی درالمنضود به ترتیب عبارتند از: کتاب طهاره، صلاة، زکاة، خمس، صوم، اعتکاف، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تجارت، دین، رهن، حجر، ضمان، حواله، کفالت، صلح، ودیعه، عاریه، لقطه، جعاله، غضب، شفعه، احیای موات، اجاره، مزارعه، مساقات، شرکت، قراض، وکالت، سبق و رمایه، وقف، سکنی، هبه، اقرار، وصیت، نکاح، طلاق، خلع و مبارات،ظهار، ایلاء، لعان، عتق، کتابت، تدبیر، ایمان، نذر و عهد، کفارات، صید، ذبایح، اطعمه و اشربه، میراث، قضا، شهادت، حدود، قصاص و دیات.

۵۸. المراسم، ص ۲۸ و ۱۴۳.

۵۹. الکافی فی الفقه، ص ۱۰۹.

۶۰. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳ و ج ۲، ص ۳ و ج ۳، ص ۲ و ۱۵۳.

۶۱. ذکری الشیعه، ج ۱، ص ۶۱.

چند نکته:

۱. گرچه کاربرد نیت در عبادات و صیغه در معاملات نمود بیشتری دارد، اما گاه نیت در ابواب معاملات و صیغه در ابواب عبادات به کار می‌رود، مانند آنکه در باب صلاة در بحث سلام نماز گفته می‌شود فلان صیغه باید گفته شود: «تا سلام محقق شود» و یا در باب بیع گفته می‌شود: «متعاقدين علاوه بر ايجاب و قبول، باید قصد انجام معامله را داشته باشند». در این گونه موارد، مراد از صیغه و نیت، معنای اصطلاحی آن نیست. صیغه در اصطلاح به الفاظی اطلاق می‌شود که با آن، امور اعتباری قابل جعل، انشا می‌شود.^{۶۲} چنان که نیت در اصطلاح عبارت است از انجام فعل به داعی و قصد تقرب و امتثال امر مولانا^{۶۳}. بنابراین، استعمال صیغه در ابواب عبادات، به معنای لغوی و در ابواب معاملات، به معنای اصطلاحی آن است. چنان که عکس آن در استعمال نیت نسبت به بعضی از ابواب معاملات صادق است، اما نسبت به بعضی دیگر مانند وقف - بنا بر قولی -^{۶۴} و سکنی، در همان معنای اصطلاحی آن صادق است. از این رو، صاحب جواهر بر شرط بودن نیت در عقود و ایقاعات ادعای اجماع می‌کند^{۶۵} که قطعاً نسبت به بعضی عقود و ایقاعات مراد از آن، معنای اصطلاحی نیت نیست. بر این اساس، مؤلف در نام گذاری کتاب، علاوه بر استفاده از صیغه در مورد عقود و ایقاعات، آن را در مورد نیت نیز به کار برده و نام آن را «الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الایقاعات و العقود» گذاشته و با این نام گذاری، صیغه را در معنای غیر اصطلاحی آن، یعنی مطلق لفظ به کار برده است.

۲. اگرچه این کتاب به عنوان رساله‌ای در صیغه‌های نیت و عقود و ایقاعات

۶۲. مصطلحات الفقه، ص ۳۴۹.

۶۳. همان، ص ۵۵۰.

۶۴. الدر المنضود، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۶۵. جواهر الکلام، ج ۳۴، ص ۲۰۲.

نوشته شده است، اما در واقع در برگیرنده یک دوره کامل فقه به صورت مختصر است. از این رو، ابواب فقهی ای چون غصب، صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، حدود، قصاص و دیات را نیز - که بحث نیت و صیغه در آنها مطرح نیست - مطرح کرده است. بنابراین، می توان گفت: کتاب حاضر یک دوره کامل فقه است که بیشتر مسائل فقهی را به اختصار مطرح کرده و در عین حال توجه ویژه ای به بحث صیغ نیت و عقود و ایقاعات داشته است.

۳. مباحث فقهی این کتاب، گاه تنها ذیل عناوین اصلی مانند کتاب الصلاة آمده و گاه مباحث جزئی ذیل ابواب هر کتاب با چند فصل از هم تفکیک شده است. گاهی نیز مباحث غیر مرتبط با عنوان اصلی، تحت عناوینی چون «تذنیب» مطرح و صیغه نیت در آنها بیان شده است. برای مثال در پایان بحث امر به معروف و نهی از منکر در ذیل تذنیب آمده است: «بحث نیت و صیغه برخی مباحث متفرقه را که ضمن کتب قبلی نمی گنجید، جداگانه بیان می کنیم»، سپس مؤلف در این تذنیب، برای موضوعاتی چون سلام کردن به مسلمان، نگاه کردن به صورت عالم، برآوردن حاجت مؤمن و سماع حدیث، صیغه نیت را بیان می کند. مثلاً صیغه سلام کردن به مسلمان را این گونه آورده است: «اسلم علی هذا المسلم مثلاً لندبه قربةً الی الله». ۶۶ در پایان کتاب صلاة نیز در ذیل تذنیب می نویسد:

در نیت اموری که احتمال وجوب آنها می رود، مانند تلاوت قرآن و حفظ آن و طلب علم، سزاوار است که نیت وجوب کند. ۶۷

سپس برای این امور نیز صیغه نیت را بیان می کند. به نظر می رسد او در این جهت، راه افراط را در پیش گرفته است؛ به گونه ای که مثلاً حتی برای ترك حرام نیز صیغه تعیین کرده و می نویسد: «در ترك حرام نیت وجوب کند و بگوید: اترك

۶۶. الدر المنضود، ص ۱۰۴.

۶۷. همان، ص ۵۰.

الزنا لوجوبه قربة الى الله». مؤلف معتقد است براساس «أئمة الاعمال بالنيات»، کم تر عملی را می توان یافت که از مرجحی که به سبب آن، مکلف استحقاق ثواب پیدا کند، خالی باشد.

۴. فرزند مؤلف، محمد بن علی که شاگرد پدرش بوده، پاورقی هایی بر این کتاب دارد که جنبه تشریحی و توضیحی دارند نه تعلیقی و فتوایی. این حواشی در نسخه خطی موجود در کتابخانه علامه طباطبایی شیراز، و نیز در نسخه مطبوع مورد استناد این مقاله، ثبت شده است.^{۶۸}

۵. ابواب فقهی مطرح شده در کتاب، در مقایسه با کتاب هایی چون شرایع، قواعد، لمعه و دروس که مؤلف بیشتر از آنها تأثیر پذیرفته است، گاه دارای شباهت و گاه دارای تفاوت هایی است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

الف) همچون شرایع^{۶۹} و دروس^{۷۰} و بر خلاف قواعد علامه^{۷۱}، کتاب اعتکاف را مستقل از کتاب صوم آورده است.^{۷۲}

ب) بر خلاف شرایع^{۷۳} که مباحث عمره را تحت عنوان کتاب العمره^{۷۴}، مستقل از کتاب حج مطرح کرده، مباحث عمره را ذیل کتاب حج مطرح^{۷۵} کرده و در این بحث، هماهنگ با دروس و لمعه^{۷۶} شهید و قواعد^{۷۷} علامه عمل کرده است.

۶۸. همان، ص ۵۱.

۶۹. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۲.

۷۰. دروس الشرعیه، ج ۱، ص ۲۹۸.

۷۱. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۳۸۸.

۷۲. الدر المنضود، ص ۶۹.

۷۳. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۴.

۷۴. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۴.

۷۵. الدر المنضود، ص ۷۲.

۷۶. دروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷ و لمعه دمشقیه، ص ۶۸.

۷۷. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۵۱.

ج) همچون شرایع،^{۷۸} بحث امر به معروف و نهی از منکر را که غالباً در ذیل کتاب جهاد عنوان می‌شود و شیخ در «النهایه»^{۷۹} و «الجمل و العقود»^{۸۰} این گونه عمل کرده، به صورت مستقل و در کتابی جداگانه مطرح کرده است.^{۸۱}

د) ترتیب ابواب فقهی در ابواب معاملات در مواردی با کتاب‌های یادشده متفاوت است. برای نمونه، بر خلاف شرایع^{۸۲} که کتاب سبق و رمایه را بعد از کتاب هبه مطرح کرده، مؤلف این بحث را مقدم داشته و قبل از سه کتاب وقف، سکنی و هبه مطرح کرده است.^{۸۳} علامه در قواعد^{۸۴} این بحث و مباحثی چون شرکت، مزارعه، مساقات، قراض و وکالت را بعد از کتاب غصب و تحت عنوان «کتاب الاجاره و توابعها» مطرح کرده است. در این مورد، در المنضود از یک جهت، یعنی طرح این بحث به عنوان کتاب مستقل بر خلاف قواعد علامه، با شرایع هماهنگ است و از جهتی دیگر، یعنی مقدم داشتن بحث بر کتاب‌های وقف، سکنی و هبه، با آن تفاوت دارد.

ه) هماهنگ با کتاب شرایع،^{۸۵} بحث سکنی و حبس را مستقل مطرح کرده است با این تفاوت که بر خلاف شرایع که عنوان کتاب را کتاب السکنی و الحبس قرار داده، تنها به عنوان کتاب السکنی بسنده کرده و مباحث حبس را نیز در ذیل آن به اشاره بیان کرده است.^{۸۶} علامه در قواعد،^{۸۷} این بحث را در ذیل کتاب الوقوف

۷۸. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳۱۰.

۷۹. نهایه، ص ۲۹۹.

۸۰. الجمل و العقود، ص ۱۶۰.

۸۱. الدر المنضود، ص ۱۰۳.

۸۲. شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

۸۳. الدر المنضود، ص ۱۶۹.

۸۴. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۳۷۲.

۸۵. شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۷۷.

۸۶. الدر المنضود، ص ۱۷۳.

۸۷. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۴۰۲.

و العطايا و شهيد در لمعه^{۸۸} ذيل كتاب العطيات و در دروس^{۸۹} ذيل كتاب الوقف و با عنوان «تتمة في العمرى و توابعها» مطرح کرده اند.

(و همانند شرايع، ابوابى همچون «طلاق» و «خلع و مبارات» را در دو كتاب «صيد» و «ذبايح»^{۹۰} نيز در دو كتاب جداگانه آورده است؛ در حالى كه برخى مانند علامه در قواعد،^{۹۱} مجموع ابواب طلاق و خلع و مبارات را يك جا، در كتاب طلاق و صيد و ذباحه نيز در يك كتاب، بحث کرده اند. مؤلف در اين گونه موارد، اغلب روش صاحب شرايع را پسندیده است.

ز) هماهنگ با كتاب شرايع^{۹۲} و دروس،^{۹۳} بحث هبه را تحت عنوان كتاب الهبه، به صورت مستقل مطرح کرده است^{۹۴} با اين تفاوت كه در شرايع، عنوان «الهبات» به صورت جمع مطرح شده تا شامل همه افراد هبه مانند هبه مقبوضه، معوضه و ساير موارد آن بشود. علامه در قواعد،^{۹۵} اين بحث را ذيل كتاب الوقوف و العطايا و شهيد در لمعه^{۹۶} ذيل كتاب العطيه، مطرح کرده اند. در نهايت مى توان گفت مؤلف در ساماندهى ابواب فقهى هر چند بيشتتر تحت تأثير شرايع بوده، اما از آن و كتب ديگر تبعيت كامل نکرده و با نظر اجتهادى خود به تنظيم ابواب پرداخته است.

۸۸. لمعه دمشقيه، ص ۱۰۱.

۸۹. دروس الشرعيه، ج ۲، ص ۲۸۱.

۹۰. شرايع الاسلام، ج ۳، ص ۳ و ۳۶.

۹۱. قواعد الاحكام، ج ۳، ص ۱۵۶ و ۳۰۹.

۹۲. شرايع الاسلام، ج ۲، ص ۱۷۹.

۹۳. همان، ص ۲۸۵.

۹۴. الدر المنضود، ص ۱۷۵.

۹۵. قواعد الاحكام، ج ۲، ص ۴۰۵.

۹۶. لمعه دمشقيه، ص ۱۰۱.

کاستی‌ها

با مقایسه بخش عقود و ایقاعات و احکام درالمنضود با شرایع و دو رساله‌ای^{۹۷} که در عصر مؤلف و ظاهراً بعد از این کتاب نگارش یافته‌اند، کاستی‌هایی در درالمنضود مشاهده می‌شود که از آن جمله می‌توان به عدم ترتیب منطقی ابواب فقهی اشاره کرد. مؤلف، ابوابی چون کتاب حجر،^{۹۸} لقطه،^{۹۹} جعاله^{۱۰۰}، غصب^{۱۰۱}، شفعه،^{۱۰۲} احیاء موات^{۱۰۳} و اقرار^{۱۰۴} را که قطعاً از دایره عقود خارج و برخی از آنها مانند جعاله به طور قطع و یا حداقل به نظر برخی، مانند حجر و اقرار^{۱۰۵} را که جزو ایقاعات هستند، در لابه لای مباحث عقود مطرح کرده است. از سوی دیگر، برخی مباحث مانند کتابت که قطعاً از عقود به شمار می‌رود و خلع و مبارات را که به نظر برخی،^{۱۰۶} در حکم عقود است، در لابه لای مباحث ایقاعات مطرح کرده است. البته، اقدام مؤلف در دو مورد اخیر را می‌توان اینگونه توجیه کرد که بحث کتابت، معمولاً به دلیل مناسبتی که با عتق و تدبیر دارد- و آن دو جزو ایقاعات هستند- در کنار آن دو آمده است و بحث خلع و مبارات نیز، گرچه به سبب لزوم ایجاب و قبول در آن دو، در حکم عقدند، اما به علت مناسبتی

۹۷. جواهر الکلمات نوشته صیمری و صیغ العقود والایقاعات نوشته محقق کرکی.

۹۸. الدرالمنضود، ص ۱۳۱.

۹۹. همان، ۱۴۵.

۱۰۰. همان، ص ۱۵۱.

۱۰۱. همان، ص ۱۵۱.

۱۰۲. همان، ص ۱۵۳.

۱۰۳. همان، ص ۱۵۵.

۱۰۴. همان، ص ۱۷۹.

۱۰۵. صاحب شرایع، اقرار را در بخش ایقاعات آورده و محقق ثانی، حجر را جزء ایقاعات دانسته

است، ر. ک: شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۱۱۰ و رسائل محقق کرکی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۱۰۶. رسائل محقق کرکی، ج ۱، ص ۱۷۶.

که با کتاب طلاق دارند، معمولاً در کتب فقهی، بعد از کتاب طلاق می‌آیند. کتاب «جواهر الکلمات»، نوشته «شیخ مفلح صیمری» که بعد از درالمنضود نوشته شده، در ترتیب ابواب فقهی روش صاحب شرایع را پیموده است. هر چند صیمری بخش احکام را مطرح نکرده و تنها عقود و ایقاعات را مطرح کرده، اما در این بخش، همان شیوه صاحب شرایع را پسندیده و ابواب فقهی را به همان ترتیب سامان داده است. ۱۰۷

محقق ثانی، ضمن شمردن کتابت از عقود و ذکر آن در این بخش، خلع و مبارات را نیز در حکم عقود دانسته و در این قسم مطرح کرده است. ضمن اینکه، حکم را از جمله ایقاعات دانسته است و از این جهت که حجر به سبب سفاهت و فلس و غیر آن، نوعی حکم محسوب می‌شود، آن را در بخش ایقاعات مطرح کرده و چون در اقرار، انشا مطرح نیست، آن را از ایقاعات ندانسته است. علاوه بر این، او رجعت را به ایقاعات افزوده است. ۱۰۸ به نظر می‌رسد روش محقق ثانی در مقایسه با دیگر کتاب‌های یادشده، ضابطه مندتر است.

رویکرد فقهی

رویکرد اصلی کتاب، فتوایی است و اکثر قریب به اتفاق فروع فقهی، بدون استناد و استدلال و صرفاً در حد فتوا و دیدگاه مؤلف آمده است، اما در پاره‌ای موارد نادر، با دلیل عقلی یا نقلی بر حکم فقهی استدلال شده است؛ مثلاً در کتاب طهارت بر وجوب نیت با استناد به دلیل عقلی و نیز کتاب و سنت، استدلال کرده است ۱۰۹ و یا برای اثبات لزوم عقد ضمان جریره به دو آیه شریفه از کتاب استناد

۱۰۷. جواهر الکلمات، ص ۱ / نسخه خطی در کتابخانه مرعشی (ره).

۱۰۸. رسائل محقق کرکی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۱۰۹. الدرالمنضود، ص ۷-۶.

کرده است.^{۱۱۰} موارد استدلال به اجماع نیز مانند سایر ادله، اندک است، در مجموع، در پنج مورد به این دلیل استناد کرده است.^{۱۱۱} همچنین در کنار ادله یادشده، برای عرف و عادت نیز در تعیین موضوعات احکام، جایگاهی خاص قائل شده و در مواردی^{۱۱۲} به این نکته تصریح کرده است.

گرچه مؤلف در شیوه طرح مباحث فقهی، در مواردی از کتب فقهی پیشین بهره برده، اما خود نیز سعی داشته در این حوزه ابتکار عمل داشته باشد. این مطلب در مقایسه «درالمنضود» با متون فقهی پیش از آن، به ویژه «رساله فخریه» و «رساله ابن فهد» در زمینه صیغ نیت و آثار فقهی دیگر در زمینه صیغ عقود و ایقاعات بیشتر آشکار می شود. او در هر بحث فقهی، ابتدا تقسیم بندی هایی را مطرح می کند و در ادامه، به بیان صیغ نیت و عقود و ایقاعات که مقصود اصلی تألیف است، می پردازد. برای مثال در کتاب طهارت، پس از تعریف لغوی و شرعی طهارت، آن را به سه بخش وضو و غسل و تیمم تقسیم و سپس وضو را به دو بخش واجب و مستحب تقسیم می کند. آن گاه به اختصار، اسباب و غایات و افعال وضو را می شمارد و پس از آن، بحث صیغ نیت و کیفیت آن را برای افراد و حالات مختلف، مفصل تر از سایر مباحث، تبیین می کند و همین شیوه را در غالب مباحث و ابواب فقهی که در آنها بحث نیت و صیغه مطرح است، پی می گیرد.

تأثیرپذیری از دیگران

به نظر می رسد ابن طیّ، به شدت تحت تأثیر آرا و اندیشه های فقهی شهید اول بوده است؛ به گونه ای که در غالب مواردی که از شهید نقل قول کرده، هماهنگ با

۱۱۰. همان، ص ۲۶۹.

۱۱۱. همان، ص ۷۸، ۶۴، ۱۹۸ و ۲۱۷.

۱۱۲. همان، ص ۱۹۱، ۲۰۷، ۲۱۳ و ۳۰۵.

ایشان فتوا داده و به ندرت در قبال قول شهید با اقوال دیگران موافقت کرده است. تحسین او از قول شهید در قبال قول فخرالمحققین و استادش ابن فهد^{۱۱۳} حلی در مسئله عدم وجوب تعرض خصوصیات نیت توسط نایب^{۱۱۴} گویای این مطلب است. او در فروع اختلافی، بعد از شهید اول، بیش از هر فقیه دیگر به آرای علامه حلی توجه داشته است. از دوازده مورد نقل قول از علامه حلی که از او به «الفاضل» یاد می‌کند، در پنج مورد با نظر ایشان موافقت^{۱۱۵} و در بقیه موارد مخالفت کرده است.^{۱۱۶} همچنین با توجه به آنچه در بحث ساماندهی ابواب فقهی گذشت، می‌توان گفت وی در تنظیم ابواب فقهی بیش از هر منبع فقهی از کتاب شرایع محقق حلی متأثر است؛ زیرا گرچه در مواردی تفاوت‌هایی دیده می‌شود، اما این تفاوت‌ها در قبال همسویی‌ها، ناچیز است. همچنین، او در بخش عبادات، در تعیین صیغ نیات، در غالب موارد از دو کتاب رساله فخریه، نوشته فخر المحققین و رساله استادش ابن فهد بهره برده است؛ به گونه‌ای که گاهی بدون

۱۱۳. ظاهراً او از بین تمام مواردی که از شهید نقل قول کرده، تنها در یک مورد از بین قول شهید و ابن فهد، قول ابن فهد، را ترجیح داده است (ر. ک: الدر المنضود، ص ۷۷) و در بقیه موارد، غالباً یا تصریح به موافقت با شهید کرده و یا به سکوت رد شده که مورد اخیر نیز کمتر مشاهده می‌شود. (ر. ک: الدر المنضود، ص ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۱۱، ۸۸، ۸۷، ۳۲، ۲۵، ۲۱، ۲۰، ۱۵، ۱۲، ۸، ۶، ۲۵۶).

۱۱۴. وان كان متبرعاً، فنيته أصلي فرض الظهر - مثلاً - قضاء عن فلان لوجوبه عليه و نديه عليّ قرية إلى الله، كذا ذكره فخر المحققين، و ابن فهد (رحمهما الله) بعبارة متفقة المعنى و قال الشهيد (رحمه الله) في قواعد في كل هذه الصور: يكفي نية الوجوب، ولا يجب التعرض للخصوصيات، لأن الغرض ابراز الفعل على وجهه، و قد حصل، فلا حاجة إلى أن ينوي النائب لوجوبه عليّ و عليه - يعني المنوب - فإن الوجوب عليه إنما هو الوجوب عن المنوب، صار متحملاً له و هو حسن، الدر المنضود، ص ۳۱-۳۲.

۱۱۵. ر. ک: الدر المنضود، ص ۲۹۰، ۲۰۴، ۱۶۴، ۹۹، ۸، ۳۳۴.

۱۱۶. به عنوان نمونه ر. ک: الدر المنضود، ص ۲۵، ۲۸۲ و ۱۵.

آنکه در مقام نقل قول باشد عین عبارت این دو کتاب را آورده است. ۱۱۷ در مرتبه بعد از کتاب «القواعد و الفوائد» خصوصاً در بخش عبادات و دروس و لمعه شهید خصوصاً در بخش عقود و ایقاعات، تأثیر فراوان پذیرفته است، برای نمونه در بحث وضو، عبارت فرع «فلو ضم نية الوجوب و الندب في فعل واحد، كما لو نوى بالغسل الجنابة و الجمعة بطل؛ لتنافي الوجهين» را عیناً از قواعد شهید منتقل کرده است. ۱۱۸ و در بحث خیارات، شباهت های فراوان عبارات کتاب با عبارات شهید در لمعه - که او از آن به عنوان «رسالة الشهيد» یاد می کند - به نظر می رسد که وی با اندک تلخیص و تغییری عین عبارت لمعه را منتقل کرده است. ۱۱۹

تأثیر گذاری بر روند نگارش در موضوع صیغ نیت و عقود اگر چه در کتب فقهی، نامی از کتاب در المنضود و مؤلفش برده نشده، به طوری که حتی شرح حال نویسانی چون صاحب الذریعه نیز گویا به نسخه آن دسترسی نداشته اند و این گویای آن است که این کتاب در میان فقها تقریباً ناشناخته بوده است، اما می توان گفت کتاب های دیگری که بعد از آن در قرون بعدی در موضوع صیغ نیت و عقود و ایقاعات نگارش یافته اند، هر یک به نحوی، ادامه دهنده مسیری بوده اند که مؤلف در المنضود آن را پیموده و در بخش صیغ عقود و ایقاعات، مبتکر آن بوده است.

۱۱۷. به عنوان نمونه نگاه کنید: الدر المنضود، ص ۶، استدلال به عقل و نقل و رسائل العشر ابن فهد، ص ۳۲۲ و نیز الدر المنضود، ص ۱۱ و رساله فخریه، ص ۳۹، القسم الثاني، ص ۴۰ و نیز الدر المنضود، ص ۱۸، صیغه نیت، غسل نذر و رساله فخریه، ص ۴۰ و نیز رسائل العشر، ابن فهد، ص ۲۳۷ با الدر المنضود، ص ۱۸ صیغه نیت دفن: ادفن هذا الميت لوجوبه قرابة إلى الله و نیز رسائل العشر، ابن فهد، ص ۲۳۷ و الدر المنضود، ص ۲۰، صیغه نیت غسل شب اول ماه رمضان و غسل دخول حرم.

۱۱۸. القواعد والفوائد، ج ۱، ص ۸۰؛ الدر المنضود، ص ۸.

۱۱۹. ر. ک. لمعه دمشقیه، ص ۱۱۸ - ۱۲۰؛ الدر المنضود، ص ۱۱۶ - ۱۱۹.

در باب صیغ عقود و ایقاعات، بعد از این کتاب، رساله‌ها و کتاب‌های زیادی نگارش یافته که پیش‌تر به برخی از آنها اشاره شد و از آنجا که قبل از این کتاب، ظاهراً کتابی با این جامعیت نگارش نیافته بود، می‌توان گفت سرمشق بیشتر آنها، کتاب در المنضود بوده است، اگر چه تصریحی بر این امر نکرده‌اند.

گرچه برخی شرح حال نویسان^{۱۲۰} گفته‌اند مؤلف در فقه، آرای معروفی دارد، اما با جست‌وجو در منابع فقهی معروف، نقل قولی از او نه از این کتاب و نه از کتب دیگر او دیده نشده است.

نقل آرای دیگران

چنانکه گفته شد، کتاب الدر المنضود با رویکرد فقه فتوایی نگارش یافته است و روش معمول در این گونه کتاب‌ها، عدم نقل قول دیگران است. در عین حال، گاهی مؤلف علاوه بر بیان فتوای خود، قول فقیهانی چون شیخ طوسی، ابن ادریس، محقق حلی، علامه حلی، شهید اول، فخر المحققین، فاضل مقداد و ابن فهد حلی را نقل می‌کند. بیشترین نقل قول‌ها از شهید اول با سی و سه مورد و بعد از وی، علامه حلی با دوازده مورد است. بیشترین نقل قول از شهید از دو کتاب دروس الشرعیه و القواعد والفوائد است، و از علامه حلی از دو کتاب تحریر الاحکام و قواعد الاحکام صورت گرفته است.^{۱۲۱} او در غالب موارد، خود به منابع فقهی، مراجعه کرده و در نقل متون فقهی سعی بر تلخیص عبارت داشته است^{۱۲۲} و هر جا تلخیص کرده، مخاطب را از این کار، آگاه کرده است. به نظر می‌رسد او در نقل قول‌ها، گاهی از شیوه نقل به معنا و گاه از شیوه نقل عین الفاظ و عبارات استفاده کرده است.

ضمناً در این کتاب، نقل قول‌ها تنها از فقیهان شیعه بوده و هیچ نقل قولی از

۱۲۰. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۵۸.

۱۲۱. ر. ک: الدر المنضود، ص ۳۴۱، فهرست اعلام و کتب فقهی وارده در متن.

۱۲۲. ر. ک: همان، ص ۱۱۰.

فقه‌های اهل سنت، نه به صورت عام و نه به صورت خاص، صورت نگرفته است. مؤلف در نقل قول فقها، از آنان با احترام یاد می‌کند. در مقام فتوا از الفاظی که نشان از تردید در فتوا دارد، فراوان استفاده شده است، مثلاً بیش از صد مورد از لفظ «الاقوی» استفاده کرده که با توجه به حجم فروع مطرح شده، به نظر می‌رسد زیاد است. در چهارده مورد، لفظ «احوط و احتیاط» و چهارده مورد لفظ «اولی» را به کار برده است. مؤلف از تعبیری مانند «وهو قوی»، «الأصح» و «الاتقرب» نیز در مقام تقویت برخی اقوال و اختیار قولی و بیان حکم مورد نظر خویش بهره برده است.

امانت در نقل قول‌ها

گرچه به نظر می‌رسد در اکثر نقل قول‌ها، رعایت امانت صورت گرفته است، اما می‌توان مواردی را یافت که از این اصل غفلت شده است. برای نمونه در بحث غسل میت، از فخر المحققین نقل می‌کند که ایشان قائل به وجوب نفسی غسل است نه غیری،^{۱۲۳} در حالی که در کلام فخر در رساله فخریه، چنین آمده است: «ویجب الغسل بالموت أيضاً، و یکفی عن وجوب الوضوء لا استحبابه»،^{۱۲۴} اما اینکه نفسی است یا غیری در عبارت او مطرح نشده است. با جستجو در کتاب دیگر فخر المحققین، یعنی ایضاح الفوائد نیز، به چنین عبارتی دست نیافتیم.

مخالفت با مشهور

به رغم تأثیرپذیری صاحب «در المنصود» از برخی فقیهان، ایشان دارای آرای است که گرچه نظر خاص وی نیست، اما مخالف فتوای مشهور فقها است. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱۲۳. الدر المنصود، ص ۱۱.

۱۲۴. رساله فخریه، ص ۴۰.

۱. قول به امتداد وقت نیت روزه مستحب تا غروب^{۱۲۵}. او به رغم اینکه قول به امتداد زمان نیت تا زوال را به مشهور فقها نسبت می دهد، اما خود قول مقابل مشهور را تقویت می کند. شهید ثانی نیز قول به امتداد زمان نیت تا زوال را به مشهور نسبت داده، اما قول مخالف آن را مختار شهید اول در دروس می داند^{۱۲۶} و آن را تحسین کرده است. علامه در مختلف، ضمن نقل اقوال در مسئله، قول مشهور را اختیار می کند.

۲. قول به جواز اکتفا به نیت رفع حدث در وضو برای افراد غیر مختار، همچون مسلوس، مبطون و مستحاضه. او گرچه در این موارد قول به عدم جواز نیت رفع حدث و لزوم نیت استباحه را به مشهور نسبت داده اما خود به تبع شهید در کتاب القواعد و الفوائد، قول به جواز اکتفا را قوی دانسته و نیت استباحه را لازم نمی داند.^{۱۲۷}

۳. ایشان ضمن برشمردن شرایط اعتکاف می نویسد: «و مسجد صلی فیہ جمعة أو جماعة»، ظاهر این سخن آن است که در هر مسجدی که نماز جمعه یا جماعت برقرار می شود، اعتکاف در آن صحیح است، در حالی که به تصریح شهید در دروس^{۱۲۸}، اکثر فقها و به تصریح برخی^{۱۲۹} مشهور فقها اعتکاف را تنها در چهار مسجد؛ یعنی مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره صحیح می دانند. به عبارت دیگر، در این فرع حداقل سه قول وجود دارد:

الف) اعتکاف فقط در چهار مسجد یاد شده صحیح است. این قول به مشهور نسبت داده شده، بلکه بر آن ادعای اجماع شده است.

ب) اعتکاف در مسجد جامع هر شهری صحیح است.

ج) در هر مسجدی که نماز جمعه یا جماعت در آن برگزار می شود، اعتکاف صحیح است. ظاهر عبارت مؤلف، قول سوم است که خلاف قول مشهور می باشد.

۱۲۵. الدر المنضود، ص ۶۴؛ کتاب الصوم خوبی ره، ص ۵۵.

۱۲۶. شرح لمعه، ج ۲، ص ۱۰۷؛ حقائق الناضرة، ج ۱۳، ص ۲۵.

۱۲۷. الدر المنضود، ص ۹۸.

۱۲۸. دروس الشرعیه، ج ۱، ص ۲۹۸.

۱۲۹. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۰-۱۷۲.